

نماینده بروجرد در مجلس در پایان تصریح می‌کند: باید به گونه‌ای هدفمند و با در نظر گرفتن همه جوانب، اقدام به حذف یا کاهش یارانه‌ها بنماییم، زیرا اقدام به حذف یک جانبه و ناگهانی یارانه‌ها، نتیجه خوبی در بر نخواهد داشت. به طور کلی، یارانه‌ها را باید به طرف دهک‌های متوسط و پایین درآمدی جامعه سوق دهیم.

### یارانه‌ها: ابزار محبوبیت دولت‌ها

آقای مرتضی تمدن، نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تاریخچه پرداخت یارانه در اقتصاد ایران، به خبرنگار پارلمانی ما می‌گوید: یارانه‌ها در شرایط اقتصادی خاص



کشور رشد پیدا کرده‌اند. اما در حالی که این شرایط امروز تغییر کرده است، متأسفانه شیوه و میزان تخصیص یارانه‌ها در کشورمان متناسب با شرایط جدید عوض نشده‌اند. از آنجایی که یارانه‌ها اهرمی برای کسب مقبولیت دولت‌ها به حساب می‌آیند، دولت‌های گذشته حاضر نبوده‌اند این اهرم را به راحتی از دست بدهند. همه این شرایط موجب شده تا سیاست‌ها و شیوه‌های تخصیص یارانه‌ها متناسب با تغییر شرایط، تغییر نکنند. اما به نظر می‌رسد دولت آقای احمدی‌نژاد، مصمم شده اقداماتی را در خصوص هدفمندسازی یارانه‌ها انجام دهد، هر چند این مسأله به کندی پیش می‌رود. وی می‌افزاید: به دلیل این که توزیع یارانه‌ها ناکارآمد و بی‌هدف است، میزان اثرگذاری و کارآمدی آن‌ها بسیار اندک و ضعیف می‌باشد. برای مثال، یارانه نان می‌دهیم، اما مردم از کیفیت نان راضی نیستند و یا یارانه بنزین می‌دهیم، اما درصد کمی از مردم از این یارانه استفاده می‌کنند. به موازات، یارانه دارو می‌دهیم، اما مردم در بازار آزاد باید در جست‌وجوی داروی مورد نیاز خود باشند. بنابراین هدفمندسازی یارانه‌ها حتماً باید با جدیت دنبال شود.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص سهم بالای بودجه یارانه‌ها از کل بودجه عمومی کشور، می‌گوید: در قانون بودجه سال ۸۵ کل کشور، یارانه‌های مستقیمی که به کالاهای اساسی اختصاص داده شده است، معادل چهار هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان می‌باشد. این در حالی است که یارانه‌های غیر مستقیمی که به برق، آب، گاز و تلفن داده می‌شود به مراتب بیشتر است. بدین ترتیب، میزان یارانه‌ها به ۳۰ هزار میلیارد تومان هم می‌رسد، حال آن که کل بودجه عمرانی کشور معادل ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌باشد.

به اعتقاد تمدن، برای کاهش بودجه یارانه‌ها، دولت بایستی میزان مصرف را تعریف کرده و در صورتی که از این میزان بیشتر شد، جریمه دریافت کند. در حال حاضر الگوی مصرف - آن هم به صورت ناقص - تنها برای آب تعریف شده است،

در حالی که با استفاده از این شیوه، بخشی از یارانه‌های غیر مستقیم کاهش خواهند یافت. پس از آن، می‌توان یارانه‌های غیر مستقیم را به سمت فرآیند جامعی از خدمات فراگیر مانند تأمین اجتماعی سوق داد و حتی بیمه‌های رایگان به مردم عرضه کرد. به موازات، می‌توان پول یارانه را به صورت نقدی به حساب مردم واریز کرد. همان طور که در کشورهای همسایه مانند کویت و امارات بخشی از یارانه‌ها به صورت نقدی به مردم پرداخت می‌شود.

وی در پایان خاطر نشان می‌سازد: متأسفانه نگرانی دولت در خصوص کاهش یارانه‌ها، روند

اداره کشور را با مخاطره روبه‌رو ساخته است. اما آنچه مسلم است، نمی‌توان شیوه کنونی تخصیص یارانه را در بلندمدت ادامه داد. باید هر چه سریع‌تر یارانه‌ها را به منظور بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی و آموزشی کشور، به بخش‌های مربوطه تزریق کنیم تا خدمات یاد شده رایگان عرضه شود. در عین حال، باید حمل و نقل عمومی را فراگیر و ارزان کنیم. البته اشکال کار این جا است که مجلس در سال آخر مأموریت خود قرار دارد و دولت نیز برای انجام این کار، وسواس زیادی به خرج می‌دهد، در حالی که راهکارهای هدفمند کردن یارانه‌ها کاملاً مشخص و روشن است. ■

## یارانه نقدی = سود کار نکرده

### نگاه دکتر ابراهیم رزاقی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران



آنچه در مورد کارایی ابزار یارانه در ایران شایان توجه است، گستردگی فقر می‌باشد. درصد افرادی که در کشورمان در فقر مطلق به سر می‌برند، ۱۲ تا ۱۵ درصد می‌باشد که حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. به علاوه، حدود ۵۰ درصد جامعه ما در فقر نسبی به سر می‌برند. لذا دولت ناگزیر است تا به پرداخت یارانه روی آورده و آن را افزایش دهد. این در حالی است که در این شرایط، یارانه از کارایی لازم برخوردار نبوده و تنها همانند نوعی مُسکن عمل می‌نماید که در صورت ادامه مصرف، مجبور به افزایش مداوم آن خواهیم بود، تا اندازه‌ای که با اختصاص بخش بزرگی از بودجه کشور، منجر به فلج شدن اقتصاد ملی می‌شود و حتی عواقب اجتماعی زیادی را به همراه خواهد داشت. برای مثال، پرداخت یارانه انرژی در ایران منجر به شکل‌گیری فرهنگ خاصی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشور شده است که آثار بسیار منفی آن در آلودگی شهرها، گسترش بیماری‌ها، رفتارهای خودپسندانه و خودخواهانه، تبلیغ فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و غیره نمایان است.

زمانی که گستردگی فقر زیاد است، تنها راهکار، بهبود شرایط اقتصادی است، در حالی که پرداخت یارانه تنها برای افرادی از جامعه که (به علت معلولیت‌های جسمی و ذهنی) قادر به کار و فعالیت نیستند، مناسب است. نقدی کردن یارانه‌ها نیز افراد را به «سود بردن از کار نکرده» عادت می‌دهد. لذا به جای پرداخت یارانه باید به بهبود شرایط اقتصادی و بهبود کارایی سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش تولید توجه نمود. ایجاد اشتغال به معنای واقعی، ترویج خرید کالاهای ایرانی و تشویق تولیدکنندگان از طریق سیاست‌هایی چون کاهش واردات - کالاهای مصرفی و نیمه مصرفی - از دیگر راهکارهای پیش رو هستند. اختصاص یارانه‌ها به تولید نیز می‌تواند مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد. در واقع، اگر کالا و خدمات با قیمت نازل تری تولید شوند، هم سود بیشتری نصیب تولیدکننده می‌شود و هم مصرف‌کنندگان کالاهای مورد نظر خود را با قیمت‌های پایین دریافت خواهند نمود. در حال حاضر حتی کشورهای توسعه‌یافته نیز سالانه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار از بودجه خود را به یارانه تولیدات کشاورزی اختصاص می‌دهند. در کنار یارانه‌های تولیدی، پرداخت یارانه به شکل بیمه‌های مختلف چون بیمه بیکاری نیز در کشورهای توسعه‌یافته بسیار متداول است. با توجه به این که تعداد افراد مشمول دریافت این نوع از بیمه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته اندک است، این مسأله چالش برانگیز نیست. راهکار بلندمدت برای حل یارانه‌های انرژی مانند بنزین، آزادسازی قیمت آن است. در جامعه چنین القا شده که افزایش قیمت بنزین در بلندمدت منجر به بالا رفتن قیمت کالاها و خدمات می‌شود، در حالی که هم‌اکنون هم شاهد آن هستیم که قیمت کالاها و خدمات بدون افزایش قیمت سوخت، در حال افزایش هستند. به طور کلی، یکی از چالش‌های اصلی در خصوص هدفمندکردن یارانه‌ها این است که تصمیم‌گیرندگان کشور بیش از آن که با مردم و اقشار مختلف جامعه در ارتباط باشند، با جناح‌ها و گروه‌های سیاسی در تماس هستند و آنها هستند که ذهنیت مسؤولان را شکل می‌دهند. لذا تداومی که اندیشیده می‌شود، از زاویه دید مدیرانی است که از کیسه ملت ایران و از درآمد نفت، مسایل را حل می‌کنند. از سوی دیگر، عدم برخورد شفاف مسؤولان با مردم و عدم بهره‌برداری از مشارکت‌های مردمی در بخش‌ها و حوزه‌ها، سبب مقاومت اقشار مختلف جامعه در خصوص تغییرات و در نهایت، ایجاد ناراضی‌ت و تنش‌های عمومی در قبال هرگونه تغییرات می‌شود، در حالی که اگر رابطه مقامات و مردم اصلاح شود و در خصوص دلایل هر تغییری توضیح داده شود، مردم اهمیت مسأله را درک نموده و حتی مدافع آن خواهند بود. این مسأله نیازمند اصلاح بخش‌های اداری اقتصاد به ویژه سلامت دستگاه قضایی و مالیاتی و استخدام افراد باصلاحیت و حذف عناصر نالایق می‌باشد؛ ضمن این که نیازمند نوعی حرکت گسترده فرهنگی است.